

سینما، نویسندگان و دانشگاه هر روز بیش از پیش به ویرجینیا وولف می‌پردازند. او نویسنده‌ای پیشتان، فمینیستی معتقد، منتقدی سختگیر، و یکی از برجسته‌ترین چهره‌های رمان مدرن است.

با روی پرده آمدن دو فیلم جدید، توجه عده زیادی به ویرجینیا وولف جلب شد. اولین فیلم، براساس خانم دالووی یکی از مشهورترین رمان‌های نویسنده ساخته شده و دیگری ساعت‌های بیانگر رابطه‌ای است که این داستان پرداز با نوشتار و به ویژه شخصیت زن رمان برقرار می‌کند (در فیلم اخیر نیکل کیدمن^۱ اجرای نقش ویرجینیا وولف را بر عهده دارد). ساعت‌ها عنوان موقتی داستانی بود که ویرجینیا در سپتامبر ۱۹۲۳ نگارش آن را آغاز کرد. اما تصویری که نیکل کیدمن با هنرنمایی خود ارائه می‌دهد با شخصیت بسیار عمیق و بسیار پیچیده نویسنده و زن مورد بحث تفاوت فراوان دارد و نمی‌توان این دو را یکسان پنداشت.

البته ویرجینیا طبیعتی حساس و از نظر روانی شکننده داشت. او نخستین بار در

* پی‌یر نوردون Pierre Nordon نویسنده، ناشر، و استاد بازنشسته دانشگاه سوربن در رشته ادبیات و تمدن انگلیسی است. او به ویژه آثار ویرجینیا وولف، لورانس D.H. Lawrence، سامرست مرام و جیمز جویس را ترجمه کرده و در انتشارات پوشوتک pochothèque گردآوری رمان‌ها و داستان‌های کوتاه ویرجینیا وولف و نیز مقدمه‌نویسی آنها را بر عهده داشته است.

سیزده سالگی، بلافاصله پس از مرگ مادرش، دستخوش افسردگی شد و بعدها نیز بحران‌هایی را پشت سر گذاشت و سه یا چهار بار بناچار راهی بیمارستان شد. در سال ۱۹۴۱، زمانی که پنجاه و نه ساله بود، خود را در رودخانه کوچک اوز^۱ غرق کرد و به زندگیش خاتمه داد. او در یادداشتی که برای شوهرش بر جای گذاشت از هراس از جنون کامل سخن گفت.

با این همه خلق و خوی او همواره به شکلی یکسان غمگین یا عبوس نبود. تصویری که دوستان متعدّدش از او ارائه داده‌اند تصویر زنی است عاشق‌گفت و شنود، درخشان، که معمولاً دوست داشت بخندد و آشنایانش را نیز بخنداند. کودکان به آسانی به سوی او می‌رفتند و از همراهیش لذت می‌بردند. ویرجینیا که همواره به طرح‌هایی برای نگارش فکر می‌کرد، دوست داشت از مردم سؤال کند و از این که کنجکاو یا پرمدها بنظر برسد، پروایی نداشت. او به گردش و میهمانی علاقمند بود اما ظاهراً وقتی در خیابان راه می‌رفت این احساس را در دیگران برمی‌انگیخت که تا حدودی عجیب و غیرعادی است و از محیط مطلوب خود دور شده. او به مدهای زنانه توجهی دقیق نشان می‌داد و در سال ۱۹۲۹ به آفرینش‌های چارل جونس^۲، طراح امریکایی، با شیفتگی خاصی دل بست.

بنابراین ویرجینیا وولف به هیچ وجه عزلت‌گزین نبود و صرفنظر از مراحل افسردگی‌اش، زندگی اجتماعی و فعالیت‌های ادبی دائمی‌اش را محکم و با شهامت ادامه می‌داد. شادی و طنز سهولت از قلم او تراوش می‌کرد. گفت و شنودهای برخی از داستان‌های کوتاهش، تصویر زنی را طرح ریزی می‌کنند که شیطنتی هوشیارانه دارد. به عنوان مثال در لباس نو^۳، ویرجینیا خود را به سخره می‌گیرد. در رمان‌های او شخصیت‌ها و پیشامدهای متعددی رخ می‌نمایند که می‌توانند جنبه سنگین و جدی طرح کلی داستان را تعدیل کنند؛ مثلاً واقعه یونانی در اتاق ژاکوب، میهمانی کلاریسا دالووی یا عادت عجیب خانم رامسی^۴ در ترتیب دادن ازدواج‌ها در به سوی فانوس دریایی.

ویرجینیا از همان کودکی اعلام کرد که تصمیم گرفته نویسنده شود. همان طور که خواهرش وانسا می‌گفت که نقاش خواهد شد. آنها در سال ۱۹۰۴، پس از درگذشت پدرشان، به گروه روشنفکران جوان پیوستند، گروهی که بزودی - با الهام از محله

1. Ouse

2. Charles Jones

3. La Robé neuve

4. Ramsay

سکونت اعضای آن در لندن - بلومس بوری^۱ نام گرفت. هریک از خواهران استیفن در میان روشنفکران جوان گروه همسری پیدا کرد. وانسا با کلایو بل و ویرجینیا در سال ۱۹۱۲ با لئونارد وولف پیوند ازدواج بست. گروه بلومس بوری با تأثیرپذیری از آثار جورج مور^۲، فیلسوف ایرلندی، اخلاق اجتماعی دوره ویکتوریا^۳ و بطور کلی تمام تابوهای جنسی و مذهبی حاکم بر قرن نوزدهم را مردود می‌شمرد و به ویژه بر هنر رمان نویسی و به طرز شگفت‌انگیزی بر ویرجینیا وولف تأثیر گذاشت. نظریه‌های زیبایی شناختی این روشنفکران و بخصوص اهمیت نقش ساختار و مفهوم آن در هنر ساخت ترکیب تابلو، بازتاب گرایش‌های شخصی ویرجینیا بود. کلایو بل در نوشته‌هایش واژه ساختار structure را به کار نمی‌برد بلکه از عبارت «شکل‌های پرمفهوم» که دقیقاً به همان معنی است، استفاده می‌کرد: «خطوط رنگی که به گونه‌ای خاص به یکدیگر مرتبط‌اند، برخی شکل‌ها و روابط شکل‌ها، هیجان‌ات زیبایی شناختی ما را برمی‌انگیزند» (۱۹۱۳). در سال ۱۹۲۰، زمانی که روجر فری، منتقد هنری، تصریح می‌کند که «در چنین نگرش خلاق، گرایش بر آن است که اشیاء به عنوان اشیاء ناپدید شوند و به عنوان پاره‌های گوناگون درآمیزه کلی نگرش، جایگاهی بیابند» به نظر می‌رسد که او هنر ویرجینیا وولف را پیش‌بینی می‌کند. وی می‌افزاید: «یک اثر هنری ثبت و بازسازی یک زیبایی از پیش موجود، در جای دیگر نیست بلکه تأثر و هیجانی است که هنرمند احساس کرده و به تماشاگر منتقل می‌سازد.» بدین ترتیب یکی از چشمگیرترین نوآوری‌های ویرجینیا وولف انتقال آگاهانه رویه و تجربیات امپرسیونیست‌ها^۴ در ادبیات است. به سوی فانوس دریایی با شخصیتی چون لیلی بریسکو^۵ رابطه تنگاتنگ بین نقاشی و نوشتار روایی را مشخص می‌سازد. لیلی بریسکو به گونه‌ای نمادین تابلوی نقاشی اش را درست در لحظه‌ای به پایان می‌رساند که آقای رامسی^۶، پس از اتمام مطالعه کتاب، به فانوس دریایی می‌رسد. رمان با این جمله خاتمه می‌یابد: «او در نهایت خستگی، در حالی که قلم مو را سر جایش می‌گذاشت، با خود اندیشید که: بله، من بیشتر و الهام خود را داشتم.» داستان‌های ویرجینیا بی‌وقفه ما را به دنیای نقاشی رهنمون می‌شود و

1. Bloomsbury

2. George Moore

۳. دوره سلطنت ملکه ویکتوریا در انگلستان یعنی سالهای ۱۸۳۷ تا ۱۹۰۱.

۴. Impressionnistes: برداشت‌گرایان.

5. Lily Brisco

6. Ramsay

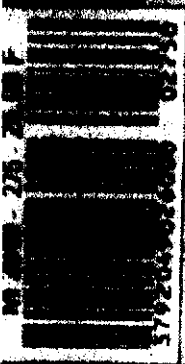
Magazine littéraire

VIRGINIA WOOLF



ENTRETIEN
Claude Simon

Umberto Eco
Paul Guimard
François Mouriès
Jules Roy
Jacques Derrida
Ludwig
Wittgenstein
Alexandre Kojève
La Belgique vue
par des Belges



A handwritten signature or mark in the bottom right corner of the page.

نویسنده با گوناگون‌ترین شیوه‌ها، تحسین و ستایش خود از هنر نقاشی را با ما در میان می‌گذارد. به عنوان نمونه در رسالهٔ مربوط به والتر سیکرت^۱ چنین می‌خوانیم: «سیکرت قلم مو را برمی‌دارد. لولهٔ خمیر رنگ را فشار می‌دهد، چهره را نظاره می‌کند؛ سپس فرو رفته در سکوت، این موهبت الهی، به نقاشی می‌پردازد - دروغ، نامفهومی، شکوه، فساد، تجمل، زیبایی، همه چیز آنجاست [...] امروزه هیچ کس با نوشتار، یک زندگی را مانند سیکرت به ترسیم نمی‌کشد. واژه‌ها فرایندی آلوده‌اند. تولد در قلمرو پُرسکوت نقاشی، بی‌نهایت مطلوب‌تر است.»

در سال ۱۹۲۷، ژاک امیل بلانش^۲ توجه خوانندگان فرانسوی را به ویرجینیا وولف، بدعت‌گذاری بزرگ که نویسنده و زن جوانی است، جلب می‌کرد. او می‌افزود: «من او را در جرگهٔ نقاشان قرار می‌دهم زیرا نقاش است، و یکی از برجسته‌ترین آنها.» برخی از داستان‌های کوتاه ویرجینیا وولف نمایانگر تکنیکی است که او در اتاق ژاکوب^۳ به کار خواهد بست. اما دربارهٔ رمان‌هایی که پس از آن انتشار می‌یابند می‌توان از نوشتاری امپرسیونیست سخن گفت که فن نقطه‌چین کاری^۴ یا حذف^۵ را تا درجه‌ای به کار می‌برد که گاه، مثلاً در خیزابها، گیج و گمراه‌کننده جلوه‌گر می‌شود. امپرسیونیسم ویرجینیا وولف که یکی از مدرن‌ترین جنبه‌های نوشتار اوست است، در سلسله تصاویری نمایان می‌گردد که ارزش نمادین آنها غالباً بسیار بدیع و مبتکرانه است. به عنوان مثال تفسیری که می‌توان برای تصاویر حشرات در اتاق ژاکوب در نظر گرفت، تفسیری قطعی و حتمی نیست. هم‌چنین مفهوم آب در رمان‌های بعدی، مفهومی همواره یکسان به نظر نمی‌رسد: آب گاه مرکز تغییر و تبدیل بازیافته‌هاست و گاه - به شیوه‌ای اندوهبار و هشداردهنده، نیرویی تخریبی است. در خانم دالووی ارجاع به حلقهٔ نباتات، توجه ما را به وحدت اساسی زندگی بازمی‌گرداند. و در زیر نمادهای مهم طبیعی، بازی تصاویر دیگری که کاملاً شخصی هستند، قرار می‌گیرد: تداعی‌های فضا، و در میان آنها پنجره‌ها، اتاق‌ها، اشیاء هوایی (مانند هواپیمایی که سیتی موس^۵ بادقت به آن نگاه می‌کند) مفاهیمی چون فرار و رهایی را القا می‌کنند. پس لازم است که کیفیت دقیق واقعه و غنای

1. Walter Sickert

2. Jacques - Emile Blanche

3. Pointillisme

4. Ellipse

5. Septimus

آن را از خلال صحنه درک کنیم و همانطور که ویلیام بلاک^۱، شاعر انگلیسی می‌نویسد:
«دنیایی را در یک دانه شن و ابدیت را در یک ساعت بینیم.»

بنابراین در سالهای ۱۹۲۰ ظهور رمان «نو» را شاهدیم، ظهوری که نتیجه عملکردی طولانی، تکامل و پختگی است. البته نویسنده مورد بحث ما پیش از این نیز دو رمان نوشته بود: سفر به بیرون (۱۹۱۵) و شب و روز (۱۹۱۹). اما صرفنظر از کیفیت آنها، این متون احیاء و تجدید هنر رمان را اعلام نمی‌کردند. ویرجینیا هنگامی که اناق ژاکوب را می‌نوشت، سی و هشت سال داشت اما در این متن هنوز از آنچه لیویس^۲ سنت بزرگ می‌خواند، کاملاً چشم‌پوشیده بود. او اگرچه تک‌گویی درونی را به کار می‌برد به این معنا که افکار یکی از شخصیت‌ها را مستقیماً در متن می‌گنجاند. اما راوی دانای کُل - یعنی کلام خود نویسنده که می‌بیند، شرح می‌دهد و برای خواننده یا برای خود تفسیر می‌کند - را کنار نگذاشته بود.

او هم چنین تحت تأثیر تمام نویسندگان و به ویژه بانوان نویسنده‌ای بود که آثارشان را برای اجتناب از رُمان زندگینامه یا زندگینامه خودنوشت، مطالعه کرده بود. الگوی شخصیت ژاکوب برادر بزرگتر ویرجینیا یعنی توبی استیفن است که همزمان با لئونارد وولف و کلایوبل در ترینیتی کالج کامبریج^۳ ثبت نام کرد. آقای رامسی (به سوی فانوس دریایی) از تصویری که ویرجینیا از پدرش حفظ کرده بود - و تصویری خوشایند نبود - الهام می‌پذیرد و کلاریسا دالووی که متشخص نما^۴ و دلسوز است قضاوتی را ظریفانه آشکار می‌سازد که نویسنده نسبت به خود داشت. به همین دلیل گذشت زمان درونمایه اصلی آثار وولف است و این امر تا هنگام نگارش خیزابها ادامه می‌یابد. در این اثر فقط شش شخصیت اهمیت دارند که توجه آنها همواره به شخصیت هفتم که در گذشته است، معطوف می‌گردد. بنابراین مرگ در همه جا حضور دارد و رساله لحظات زندگی^۵ که سی سال پس از مرگ توبی نوشته شده، تداوم خاطرات او را نشان می‌دهد؛ این اثر هم چنین هنر ویرجینیا را در به تصویر کشیدن یک زندگی در چند خط، آشکار می‌سازد.

1. William Blake

2. Frank Raymond Leavis منتقد انگلیسی (۱۸۹۵ - ۱۹۷۸)، «سنت بزرگ» عنوان اثر لیویس است.

3. Trinity College Cambridge

4. Snob

5. Instants de vie (Moments of Being)

میکائیل کانینگهام^۱ بر این نکته تاکید دارد که تمایل به مرگ بر سراسر رمان خانم دالووی سایه می‌گسترده. با این همه می‌توان آفرینش شخصیت سبتی موس^۲، این همزاد^۳ کلاریسا را زائیده‌ی بلا درنگ ذهن نویسنده دانست. خانم دالووی به دلیل تراکم و فشردگی زمان داستان، آثار ویلیام بلاک («ابدیت فقط در یک ساعت») را تداعی می‌کند اما در اینجا نیز با نوگرایی ویرجینیا وولف روبرو هستیم. خانم دالووی در سال ۱۹۲۳ نوشته شد و سال پیش از آن اولیس اثر جویس، که در انگلستان ممنوع شده بود، در پاریس منتشر گردید. ویرجینیا البته به کتابهای مورد بحث و نیز این کتاب که سر بسته از آن صحبت می‌شد، توجهی دقیق داشت اما احتمالاً اثر جویس را نخوانده بود و فقط می‌دانست که اولیس داستانی طولانی است که حوادث آن در دوبلن^۴ و در طول تنها یک روز روی می‌دهد. به همین ترتیب نیز حوادث رمان خانم دالووی در لندن و فقط در طول یک روز اتفاق می‌افتد. وانگهی به سهولت می‌توان جزئیات مسیر کلاریسا را، در یک روز آفتابی ماه ژوئن، دنبال کرد با همان دقتی که مسیر استیفن را، در ۱۶ ژوئن ۱۹۰۴ در شهر دوبلن می‌توان پی گرفت. برعکس ویرجینیا تصویر هنرمند به عنوان مردی جوان را بدون شک مطالعه کرده بود زیرا بینش و الهام لیلی بریسکو که بخش پایانی به سوی فانوس دریایی را تشکیل می‌دهد به طرزی عجیب یادآور «کشف و شهود» استیفن در تصویر هنرمند است. تنها نقطه اشتراک دیگر بین ویرجینیا وولف لندن و جویس، ایرلندی تبعید شده، دوره زندگی آنها یعنی ۱۹۴۱-۱۸۸۲ است.

تلفیق زندگی دنیوی با درک و استنباطی هوشیارانه و مشخصاً زنانه، رمان خانم دالووی را از جنبه‌های پر نشاطی برخوردار می‌سازد که خوشبختانه با درونمایه مرگ مغایرت دارد. این اثر نه چندان طولانی بیست و دو شخصیت اصلی و هفده شخصیت فرعی را که به ضیافتی دعوت شده‌اند، روی صحنه می‌آورد و فقط نامی از آنها می‌برد. اما استعداد نویسنده در کاریکاتورسازی و مضحکه شخصیت‌ها و هم‌چنین ضرباهنگ نخستین جملات کتاب که از روند گام‌های کلاریسا تقلید می‌کند، شگفت‌انگیز است. از خلال سطور داستان توجه خاص نویسنده به جایگاه زن در جامعه نیز مشخص می‌گردد. البته شخصیت‌های زن رمان - یعنی کلاریسا، لیدی میلی سان بورتون^۵، سالی استون^۶،

1. Michael Cunningham

2. Septimus

3. Double, Doppelgänger

4. Dublin

5. Lady Millicien Burton

6. Sally Seton

دوريس كيلمن^۱، لوکره زيا اسميت^۲ و مه سي جانسون^۳ از نظر سن و شرايط اجتماعي با يکديگر بسيار متفاوتند.

ويرجينيا وولف از دوران جواني به ويژه به رمانهاي بانوان نويسنده علاقه و اشتياق نشان مي داد. او در زنان و نويسندگي^۴، مجموعه متوني که در سال ۱۹۹۰ توسط انتشارات هارکورت به چاپ رسيد، پانزده اثر منتخب از بانوان نويسنده را تحليل و بررسي کرده است. اين متون به ترتيب زماني از مارگارت کاوندیش^۵ (۱۶۷۳-۱۶۲۳) تا کاترين مانسفيلد (۱۹۲۳-۱۸۸۸) که ويرجينيا آثارش را در انتشارات خود، هوگارت پرس، به چاپ رساند، تنظيم گرديده اند. به علاوه ويرجينيا در تمام طول زندگي، منتقدی ادبی بود زیرا همکاري اش با تائمز ليتراري سوپله مانت^۶ از اوایل قرن آغاز شد. او همواره دیدگاهی کاملاً زنانه را، گاه به شیوه ای شوخ و سرگرم کننده بیان می کرد. مثلاً در مقاله تی. ال. اس، درباره جورج الیوت^۷، مورخ ۲۰ نوامبر ۱۹۱۹، نقل قولی از ادموند گوس^۸ می آورد که وضع ظاهری و طرز لباس پوشیدن این بانوی نويسنده را شرح می دهد: «ساحره ای رویایی، تنومند و منجمد که خطوط ضخیم و اندک حزن آلودش، از نیم رخ، همیشه در کلاه ای آخرین مد پاریس، جای می گرفت؛ کلاه ای که مانند اغلب کلاه های آن ایام با پر بزرگ شتر مرغ، تزئین شده بود.» در پی این نقل قول، ستایشی سرشار از همدلی نسبت به جورج الیوت و هم چنین نسبت به شخصیت های رمان آسیایی بر فراز فلوس^۹ به چشم می خورد. ويرجينيا وولف در زندگي و نیز در رمان هایش - مثلاً به سوی فانوس دریایی - بر ضد معنویتي که به زیان حساسیت باشد، طعنان می کرد. و از این نقطه نظر بود که دوست و همکارش فورستر را، درباره رمان هاواردز اند^{۱۰}، به باد ملامت گرفت: «[...] همیشه در لحظه ای که خود را به دست لذت های تصور و تخیل

1. Doris Killman

2. Lucrezia Smith

3. Maisie Johnson

4. Women and Writing

5. Margaret Cavendish

6. Times Literary Supplement

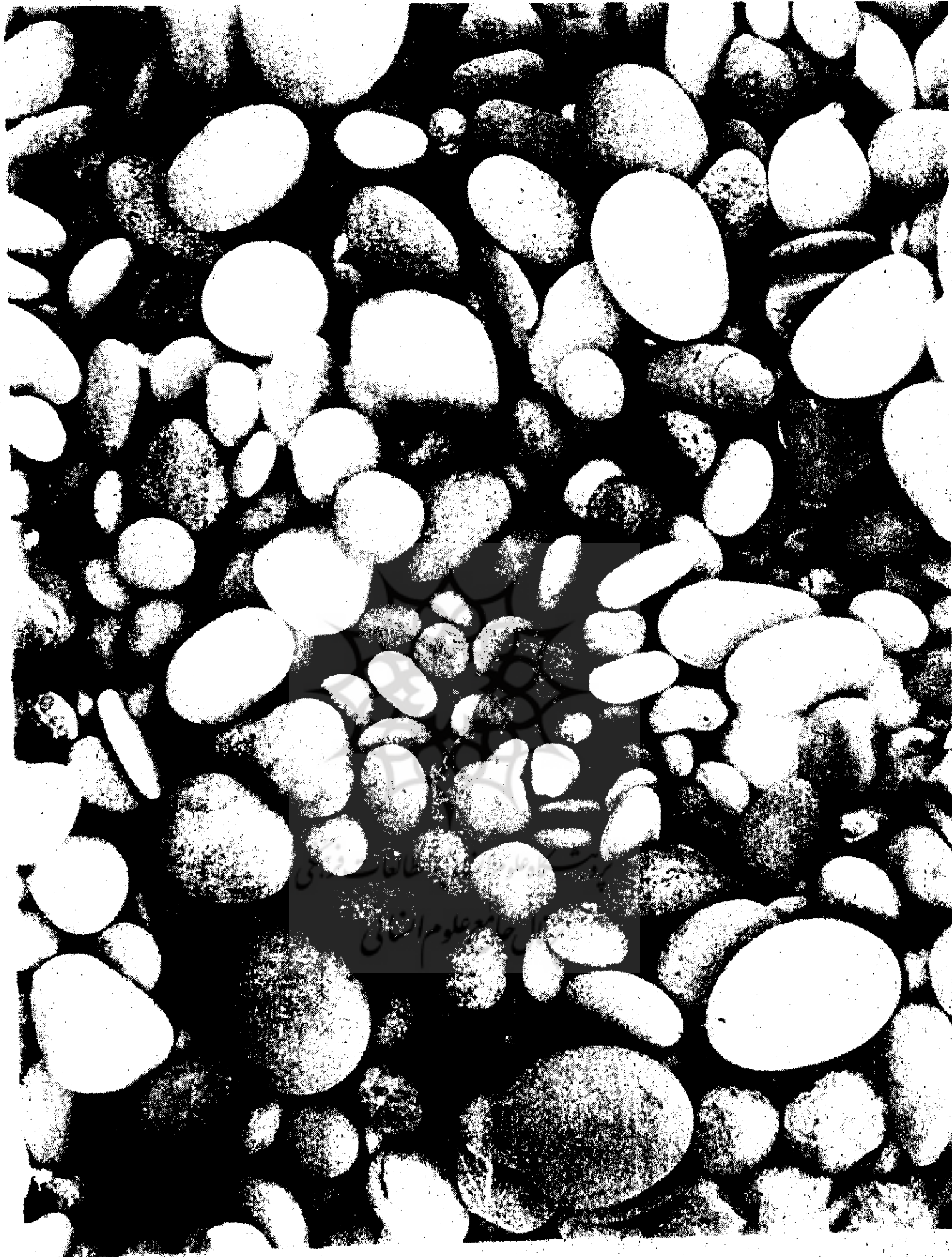
7. Mary Ann Evans. George Eliot مشهور به جورج الیوت (۱۸۸۸ - ۱۸۱۹) روزنامه نگار و بانوی نویسنده

انگلیسی.

8. Edmund Gosse (۱۹۲۸ - ۱۸۴۹) مترجم و منتقد ادبی انگلیسی.

9. Moulin sur la Floss

10. Howards End



0

To the Lighthouse

می‌سپاریم [...] باید مراقب مسائل باشیم و همه چیز را در نظر بگیریم. باید درک کنیم که مارگارت یا هلن فقط برای خودشان حرف نمی‌زنند بلکه گفته‌هایشان تأثیرات گوناگون و گسترده‌تری دارد. بنابراین برای درک مفهوم این گفته‌ها باید دنیای سحرآمیز تخیل را، که قوای ذهنی ما آزادانه در آن جریان دارند، ترک کنیم تا به سایه روشن‌های نظریه‌ها برسیم زیرا در آنجاست که فقط ذهن ما فعالیت می‌کند.»

اما ویرجینیا وولف به فمینیست بودن در زمینه نقد ادبی بسنده نکرد. او در مفهوم اجتماعی کلمه، فمینیست بود و از این نقطه نظر به جریانی تعلق داشت که جنبه‌های بسیار گوناگون به خود گرفته و در اواخر قرن نوزدهم به گستردگی نسبی دست یافته بود. در آن دوره زنان در عرصه‌های مختلف ظاهر شدند: خانم بلومر^۱ در میدان‌های ورزشی، امیلین پانک هرست^۲ در زمینه دفاع از حق رأی بانوان و بثاتریس ویب^۳، بنیانگذار موسسه فابین^۴، در قلمرو نظریه‌پردازی. مسئله زن و حقوق او یکی از دلمشغولی‌های اصلی لاورنس^۵ بود که در سال ۱۹۲۰ زنان عاشق را منتشر ساخت. اگرچه مسئله جنسیت اساساً از آثار ویرجینیا وولف حذف شده است اما او برای بانوان همکارش احترام به فضای خصوصی‌شان را خواستار بود (اتاقی برای خود) و نیز می‌کوشید تا کار و فعالیت آنها در نظر گرفته شود (سه سکه طلا). این دو رساله به خوانندگان فرانسوی زبان نیز معرفی شدند؛ رساله اول را کلارا مالرو^۶ در سال ۱۹۵۱ و رساله دوم را ویویان فورستر در سال ۱۹۷۷ به فرانسویان شناساند.

بنابراین ویرجینیا وولف اساساً به عنوان رمان‌نویس و رمان‌نویسی فمینیست و امروزی، مورد توجه هم‌عصران ما قرار گرفت. با این همه در انگلستان، در سال‌های پس از جنگ، منتقدانی چون لی ویس^۷ یا ارنولد کتل^۸، که گفته‌هایشان مورد پذیرش قرار می‌گرفت، از ویرجینیا انتقاد کردند. آنها فقدان تعهد سیاسی و اجتماعی رمان‌هایش را ملامت می‌کردند حال آن‌که ویرجینیا خود را پشتیبان عقاید سوسیالیستی می‌دانست اما

1. Mrs Bloomer

2. Emmeline Pankhurst

3. Beatrice Webb

4. Société Fabienne

۵. David Herbert Lawrence (۱۸۸۵ - ۱۹۳۰) نویسنده انگلیسی و خالق آثاری چون زنان عاشق

Femmes Amoureuses و معشوق لیدی شاتری L'amant de Lady Chatterilly.

6. Clara Malraux

7. Leavis

8. Arnold Kettle

آنها این اعلام نظر او را ناشی از متشخص نمایی می‌پنداشتند. لاورنس نیز آماج تهمت‌های مشابه بود اما در آن زمان از زندگی مرفه روشنفکران کوچکترین انتقادی نمی‌شد. به هر صورت زمان، که قاضی عادل است، به این گونه اعتراض‌ها پاسخ گفت. امروزه مطالعات و پژوهش‌ها دربارهٔ ویرجینیا وولف بیش از پیش گسترش یافته‌اند و تعداد خوانندگان آثار او نیز بی‌وقفه افزایش پیدا می‌کند. انتشار این آثار در قطع جیبی، از پانزده سال پیش تاکنون، پیشرفتی مداوم داشته و مصداق این ادعاست. وانگهی تأثیر و نفوذ ویرجینیا وولف در زمینهٔ خلاقیت‌های ادبی، بخصوص خارج از کشور انگلستان، آشکار شده است. این تأثیر و نفوذ مثلاً در آثار مارگریت دوراس^۱ به ویژه ربودن لول و. اشناین^۲ (۱۹۶۴) - که قهرمان زن آن را مظهر تمام شخصیت‌های زن در آثار دوراس می‌دانند - کاملاً محسوس و ملموس است. کلود سیمون^۳ که آرزو داشت نقاش شود، رمان داستان (۱۹۶۷) را مانند ماجرای خانم دالووی در چارچوب یک روز می‌گنجاند، از تصاویر آغاز می‌کند و سپس به شیوه‌ای بسیار ماهرانه «بی‌نظمی‌های حافظه» را بازسازی می‌کند، دقیقاً همان بی‌نظمی‌هایی که درونمایه اصلی به سوی فانوس دریایی را تشکیل می‌دهند. لامپدوزا^۴ که از خوانندگان مشتاق آثار ویرجینیا وولف است احساس ژرف زمان ادواری^۵ را به صورت مضمون درمی‌آورد و در یوزپلنگ^۶ می‌نویسد: «گونگونی تغییرناپذیر فصل‌ها بر تغییر هویت نسل‌ها تأکید دارد.» کلاریس لیسپکتور^۷ (۱۹۷۷) - (۱۹۲۵)، نویسندهٔ برزیلی که عمیقاً تحت تأثیر فرهنگ و تمدن اروپایی بود و آسیب‌پذیری روانی‌اش خاطرهٔ ویرجینیا وولف را در ذهن زنده می‌کرد، در سال ۱۹۴۴ با نگارش نزدیک قلب وحشی^۸ به موفقیتی بین‌المللی دست یافت. عنوان اثر او از نقل قولی از جویس در تصویر هنرمند به عنوان مردی جوان به عاریت گرفته شده است، داستان بر محور شخصیت زن می‌چرخد و فنون روایی و درونمایه‌های آثار ویرجینیا

۱. Marguerite Duras (متولد ۱۹۱۴) نویسندهٔ فرانسوی، خانم دوراس یکی از پدیدآورندگان «رمان نو» در فرانسه است.

2. Le Ravissement de Lol V. Stein

۳. Claude Simon (متولد ۱۹۱۳) نویسندهٔ فرانسوی و برندهٔ جایزه نوبل در سال ۱۹۸۵.

4. Lampedusa

5. Cyclique

6. Guépard

7. Clarice Lispector

8. près du coeur sauvage

وولف را برمی‌گزیند. البته می‌توان نمونه‌های فراوانی را برشمرد و این پدیده را «پرتوافشانی ادبی» نامید، اصطلاحی که مطمئناً مورد پسند ویرجینیا وولف نیز قرار می‌گرفت.



● ریتاسکوویل وست (۱۹۲۵)

● طراحی از دیویدلویین



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی